

حجاب‌های دهگانه میان بنده و پروردگار

برگرفته از سخنان امام ابن قیم رحمه الله

حجاب اول: جهل نسبت به پروردگار

یعنی اینکه بنده، خداوند خود را به درستی نشناسد یا اینکه درک اشتباهی از او در ذهن داشته باشد. آنکه او را دوست ندارد او را نشناخته و آنکه او را نشناخته نیز ممکن نیست او را دوست بدارد.

بر این اساس، کسی که واقعا اهل سنت پیامبر است و واقعا در جستجوی علم نسبت خداوند و دینش است، جزو کسانی است که اولیای خداوندند و او را دوست می‌دارند و او نیز آنان را دوست می‌دارد. بدیهی است هرچه الله را بیشتر بشناسی، او را بیشتر دوست خواهی داشت.

شعیب، سخور پیامبران خطاب به قومش چنین فرمود:

{وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ} [هود: ۹۰]

(و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید. پروردگار من مهربان و دوستدار است)

و پروردگار بزرگ چنین می‌فرماید:

{إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا} [مریم: ۹۶]

(کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی [خداوند] رحمان برای آنان محبتی قرار می‌دهد)

ضخیم‌ترین حجاب میان بنده و پروردگار همین عدم شناخت نسبت به الله است، و انسان، دشمن آن چیزی است که نمی‌شناسد.

کسانی که خداوند را نمی‌شناسند معصیت او را می‌کنند.

کسانی که او را نمی‌شناسند او را بد می‌دارند.

و کسانی که پروردگار را نمی‌شناسند به جای او شیطان را پرستش می‌کنند.

به همین دلیل خداوند قبل از هر چیز مومنان را به علم و شناخت نسبت به خود دعوت کرده است:

{فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ} [محمد: ۱۹]

(پس بدان که هیچ معبودی [به حق] جز الله نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [مغفرت بخواه])

دوای این جهل این است که الله را آنگونه که شایسته است بشناسی. آنگاه که او را شناختی خواهی توانست حقیقت توبه را به دست آوری.

حجاب دوم: بدعت

هرآنکه در دین خداوند نوآوری می‌کند با این بدعت و نوآوری، میان خود و الله پرده و حجابی به وجود می‌آورد. این حجاب تا وقتی که شخص، دست از بدعت خود بکشد همچنان وجود خواهد داشت.

پیامبر ما صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید:

«هر که در این امر ما (یعنی دین) آنچه را که از آن نیست نو پدید آورد، این کار او مردود است»
[متفق علیه]

هر کار نیک دو شرط دارد:

اول: اخلاص. یعنی اینکه آن کار صرفاً بدون هیچ شریکی برای خداوند باشد.

دوم: متابعت و پیروی. یعنی اینکه کار نیک بر اساس روش رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد.

هر کاری که این دو شرط را نداشته باشد به عنوان کار نیک شرعی شناخته نمی‌شود و به سوی خداوند بالا نمی‌رود، زیرا تنها کار نیک پاک و درست به خداوند می‌رسد.

بر این اساس، بدعت حجابی است که مانع رسیدن کار نیک به نزد خداوند می‌شود و این به معنای نرسیدن بنده به خداوند است.

مبتدع، (یعنی شخص نوآور در دین) الله را بر اساس دلخواه خود عبادت نموده نه بر اساسی که خداوند خواسته است، و هوای نفس و دلخواه انسان حجابی است بین بنده و پروردگار.

باید دانست که شخص اهل بدعت، بدتر از شخص گناهکار است زیرا شخص گناهکار خود را مقصر می‌داند اما شخص اهل بدعت کار خود را خوب دانسته و چه بسا به شدت از آن دفاع کرده و آن را عامل نزدیکی به خداوند می‌داند!

حجاب سوم: گناهان کبیره ی درونی

که این گناهان، بسیار هستند؛ به مانند تکبر و فخر فروشی و غرور. گناهان کبیره ی درونی و پنهان بدتر از گناهان ظاهری‌اند. یعنی بدتر از زنا و نوشیدن خمر و دزدی، زیرا در صورتی که این گونه گناهان پنهان در قلب انسان بنشینند، تبدیل به حجاب و مانعی می‌شود میان بنده و پروردگار.

راه رسیدن به خداوند توسط قلب طی می‌شود و نه بوسیله ی پاها و این گناهان بزرگ قلبی به مانند راهزنان این مسیرند.

حجاب چهارم: گناهان کبیره ی آشکار

به مانند دزدی و نوشیدن خمر و دیگر گناهان بزرگ ظاهری..

برادر و خواهرم... اینجا توجه به این نکته ضروری است که هیچ گناه صغیره‌ای با پافشاری بر آن دیگر گناه صغیره نیست بلکه تبدیل به گناه کبیره می‌شود. از سوی دیگر هیچ گناه کبیره‌ای با توبه و بازگشت دیگر گناه کبیره نیست.

پافشاری بر گناه یعنی ادامه دادن گناه یا قصد بازگشت دوباره به آن، حتی اگر این گناه به ظاهر کوچک باشد. بطور کلی هر گناه صغیره‌ای با چند عامل تبدیل به گناه کبیره می‌شود:

۱- پافشاری و ادامه دادن گناه: مثلا اگر شخصی عادت به نگاه کردن به زنان و دختران بیگانه داشته باشد. با وجود آنکه چشم چرانی یا همان «زنای چشم» از زنای کامل کوچکتر است اما در صورت ادامه یافتن، این گناه تبدیل به گناه کبیره خواهد شد.

۲- کوچک شمردن گناه: اگر به برخی از معتادان به سیگار بگویی: از خدا بترس، دخائیات بخاطر ضرر و زیانی که دارد حرام است... او در پاسخ خواهد گفت: این گناه بزرگی نیست، خدا مهربان است!!

۳- خوشحال شدن از انجام گناه: گاه بعضی از اشخاص گناهکار را می‌بینی که از انجام گناه شادند یا اینکه تظاهر به خوشحالی می‌کنند. باید در نظر داشت که شاد شدن از انجام گناه از خود گناه نیز بزرگتر است.

بسیاری از این گرگ‌های بشری را می‌بینی که از فریب دادن یک دختر مسلمان خوشحالند و با افتخار آن را برای دیگران تعریف می‌کنند در حالی که خداوند می‌فرماید:

{إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ} [نور: ۱۹]

(کسانی که دوست دارند که کارهای زشت در میان آنان که ایمان آورده‌اند شیوع یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود)

۴- سهل انگاری نسبت به پوشانده شدن گناه توسط خداوند: عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «ای گناهکار! از عاقبت بد گناه ایمن مباش که با انجام گناه، بدتر از گناه به همراه آن خواهد آمد... شرم نداشتن از فرشتگانی که بر سمت راست و چپ تو هستند از خود گناه بزرگتر است... این که می‌خندی و نمی‌دانی قرار است خداوند با تو چه رفتاری داشته باشد از خود گناه بزرگتر است... و خوشحال شدن از انجام گناه از خود گناه بزرگتر است... اینکه وقتی باد پرده‌ی درب خانه‌ات را حرکت می‌دهد دچار ترس می‌شوی اما از اینکه خداوند دارد تو را در حال گناه می‌بیند کمی قلبت به لرزه نمی‌آید از خود گناه بزرگتر است»

۵- مجاهره: مجاهره یعنی این که شخص گناهی را شبانه انجام دهد و خداوند او را ببوشاند اما خود او پرده‌ی الهی را دریده و روز بعد گناه خود را برای دیگران بازگو نماید!

۶- اگر شخص انجام دهنده‌ی گناه صغیره، الگوی مردم باشد: تصور کن اگر مدیر یک کارخانه یا مدرسه و یا رئیس یک دانشکده دست به گناهی کوچک بزند و به سبب الگو بودنش این کار در میان زیر دستانش نیز رواج یابد.

یا در میان یک خانواده‌ی سرشناس پوشش غیر اسلامی عادی شود و سپس این عادت به دیگر مردم سرایت کند. ممکن است من و تو نیز در میان برخی از مردم به عنوان الگو شناخته شویم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هر که در اسلام سنت و راه و روش بدی بیاورد گناه خودش و گناه کسانی که آن کار را پس از او انجام دهند بر گردنش خواهد بود بدون آنکه از گناه دیگران چیزی کم شود» [به روایت مسلم]

حجاب پنجم: گناهان صغیره

گناهان صغیره به مرور بزرگ می‌شوند. چه بسا گناهان کوچکی که صاحب خود را تدریجاً به عاقبت بد کشانده‌اند

انسان مومن گناه خود را بزرگ می‌بیند زیرا او خداوند را مراقب خود می‌بیند. مومن همانگونه که گناهان را - هر چند کوچک - ناچیز نمی‌شمارد، همانطور نیز کار خیر را هر چند کوچک به نظر برسد، ناچیز به حساب نمی‌آورد.

حجاب ششم: شرک

این از بزرگترین و ضخیم‌ترین پرده‌هایی است که میان بنده و پروردگار حایل می‌شود. راه برداشتن این حجاب خالص گرداندن توحید است.

معنای واقعی شرک همان تعلق قلب به غیر الله است. چه این تعلق در عبادت باشد و چه در محبت و یا در معانی قلبی و یا در اعمال ظاهری. هیچ چیز نزد خداوند بدتر از شرک و مشرکان نیست.

شرک انواعی دارد که از خطرناک‌ترین آنها شرک پنهان است. خداوند می‌فرماید:

{وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۲) ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۲۳) انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ} [انعام: ۲۲-۲۴]

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کنیم آنگاه به کسانی که شرک آورده‌اند می‌گوییم کجایند شریکان شما که [انان را شریک الله] می‌دانستید؟ (۲۲) آنگاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند به الله پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم (۲۳) ببین چگونه به خود دروغ می‌گویند و آنچه برمی‌بافتند از ایشان یابوه شد)

برادر و خواهرم. همیشه سعی در خالص نگه داشتن توحید خویش داشته باش و از خداوند سلامت از شرک را بخواه و به او پناه ببر و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا

أَعْلَمُ» (خدایا من به تو پناه می‌برم از اینکه نسبت به تو شرکی روا دارم که می‌دانم و از تو در مورد آنچه نمی‌دانم مغفرت می‌خواهم)

حجاب هفتم: زیاده روی در کارهای مباح

شاید شکم انسان حجابی شود بین او و پروردگارش. خوردن حلال است، نوشیدن نیز حلال است. اما پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «فرزند آدم هیچ ظرفی را پر نکرد که بدتر از شکم باشد» [روایت ترمذی]

هنگامی که شکم پر شود اندیشه به خواب می‌رود و اعضای بدن از فعالیت باز می‌ایستند و انسان دچار تنبلی می‌شود.

شاید لباس و رسیدن بیش از اندازه به ظاهر، حجابی شود بین بنده و خداوند. پیامبر خدا می‌فرماید: «نابود و بیچاره باد بنده‌ی درهم و بنده‌ی لباس زیبا» [به روایت بخاری]

خواب بیش از حد یا تعلق بیش از اندازه به تفریح و سرگرمی و اینگونه کارهای حلال یا مباح، ممکن است به تدریج میان بنده و خداوند فاصله ایجاد کند.

حجاب هشتم: غفلت نسبت به خداوند

غفلت هنگامی در قلب رسوخ می‌یابد که قلب از محبوب خود (سبحانه و تعالی) دور شده و در پی هوا و هوس راه گرفته و شیطان را به دوستی بگیرد. خداند می‌فرماید:

{وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنِ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا} [کهف: ۲۸]

(و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن)

تا این سه نور بر قلب انسان نتابد حجاب غفلت از آن کنار نخواهد رفت:

۱- نور ملاحظه‌ی نعمت‌های پنهان و آشکار خداوند تا آنکه محبت خداوند متعال در قلب جای گیرد.

۲- نور نگاه در اشتباهات نفس. این باعث می‌شود انسان به خطر نفس اماره پی برده و با شناخت کاستی‌های آن، عظمت و کمال پروردگار را درک نماید.

۳- نور مراقبت گذر روزها و از دست رفتن فرصت. تا آنکه انسان با درک کم بودن فرصت و ارزش وقت و عمر، تمام تلاش خود را برای استفاده از این تنها فرصت باقی مانده به کار گیرد.

این نورهای سه گانه سبب بیدار ماندن همیشگی قلب شده و باعث می‌شود بنده همچنان در طاعت پروردگار تلاش نماید تا آنکه نور خداوند بر قلب وی تابیدن گرفته و حجاب غفلت به طور کامل از آن برجسته شود.

حجاب نهم: عادت‌ها و سنت‌ها و عرف‌های اشتباه

برخی از انسان ها اسیر عادت های بد خود و یا سنت های اشتباه و عرف های غلط جامعه‌ی خویش‌اند. بسیاری را می‌بینی که از روی عادت سیگار می‌کشند و اسیر این عادتند. برای همین است که اولین راه رسیدن به خداوند کنار نهادن عادت‌هاست.

انسان‌ها بنده‌ی عادت های خوداند و برای آنکه بنده‌ی خالص خداوند گردند باید از بندگی هر چیز دیگری رهایی یابند. (منظور وقتی است که عادت بر شریعت خداوند برتری یابد و آن را زیر پا نهد) حجاب دهم: حجاب انسان های تلاشگری که از هدف حقیقی غافل می‌مانند.

این حجابی است که معمولا انسان های پایبند به دین دچار آن می‌شوند. پیش می‌آید که شخصی در راه خداوند تلاش می‌کند و این عمل خود را بزرگ می‌بیند و خود این باعث ایجاد حجابی میان او و پروردگار می‌شود.

بر بنده لازم است که هیچ‌گاه به عمل خود دلخوش نشود و همیشه میان دل‌خوشی به منت پروردگار، و مشاهده‌ی نقص و کوتاهی عمل خود بماند.

رضایت بنده از کار و عملش نشانه‌ی «از خود راضی بودن» او و جهلش نسبت به حقیقت بندگی است. این «رضایت از خود» آفات بسیار بزرگ دیگری چون تکبر را در پی دارد.

باید این را دانست که هر چه خداوند در قلب انسان بزرگتر باشد، نفس انسان در قلبش کوچکتر می‌شود و می‌داند که همه‌ی کارهایی که در راه خداوند انجام می‌دهد در برابر عظمت و شکوه و نعمت‌های بزرگ خداوند هیچ نیست.

این‌ها ده پرده و حجابی هستند که میان بنده و پروردگار جدایی می‌اندازند. باید با صداقت به درون خویش نظر انداخته و ببینم چند حجاب میان ما و او فاصله انداخته و راه از بین بردن این پرده‌ها چیست.

از پروردگار اخلاص در گفتار و کردار و قبول اعمال را می‌خواهیم.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم

(ترجمه شده از بروشوری با همین نام منتشر شده توسط دارالقاسم با کمی تغییر و تصرف)